

بررسی مؤلفه‌های تجربی انگیزش برای ترک وابستگی در معتادان سابق: تحلیل مضمون تفسیری

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵

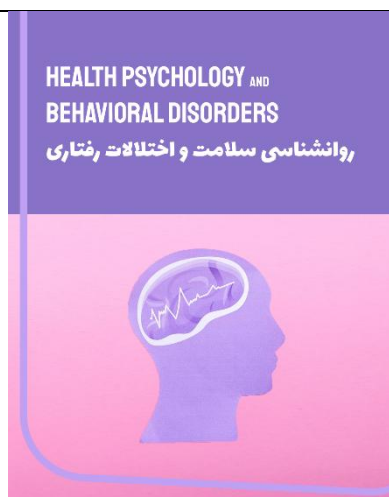
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹

تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های تجربی انگیزش برای ترک وابستگی به مواد مخدر در افراد بهبودیافته با رویکرد تحلیل مضمون تفسیری است. این مطالعه با روش کیفی و رویکرد تحلیل مضمون تفسیری انجام شد. شرکت‌کنندگان شامل ۲۲ نفر از معتادان سابق ساکن تهران بودند که به‌صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود که به‌طور عمیق تجربه زیسته افراد از انگیزش برای ترک را بررسی می‌کرد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo تحلیل و مضامین اصلی، زیرمضامین و مفاهیم استخراج شدند. یافته‌ها نشان دادند که انگیزش برای ترک مواد مخدر بر اساس سه محور اصلی شکل می‌گیرد: «تجربه بحران وجودی»، «نیروهای انگیزشی درونی» و «پشتیبانی‌های بیرونی مؤثر». زیرمقوله‌هایی مانند احساس بی‌معنایی، مواجهه با مرگ، نیاز به بازتعریف هویت، اراده شخصی، حمایت خانوادگی و نقش گروه‌های همیار، در ساختار انگیزشی افراد برای ترک نقش مهمی داشتند. مشارکت‌کنندگان همچنین به نقش عوامل معنوی، تجربه‌رهایی، و پذیرش اجتماعی در حفظ انگیزش اشاره کردند. فرآیند انگیزش برای ترک اعتیاد در معتادان سابق، فرآیندی چندعاملی و پیچیده است که نیازمند درک عمیق از ابعاد روان‌شناختی، معنوی و اجتماعی تجربه فردی است. توجه به این مؤلفه‌ها می‌تواند به طراحی مداخلات مؤثرتر در حوزه درمان و بازتوانی اعتیاد کمک کند.

کلیدواژه‌گان: انگیزش ترک، تجربه زیسته، معتادان سابق، تحلیل مضمون تفسیری، بهبود/اعتیاد



نیما کریمی^۱، سیده زهرا مرادی^{۲*}

۱. گروه مشاوره، دانشگاه سراسری علوم انسانی، تهران، ایران

۲. گروه روانشناسی، دانشگاه سراسری علوم انسانی، تهران،

ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: seyedeh.z.moradi94@gmail.com

شیوه استناددهی: کریمی، نیما، مرادی، سیده زهرا. (۱۴۰۲).

بررسی مؤلفه‌های تجربی انگیزش برای ترک وابستگی در معتادان

سابق: تحلیل مضمون تفسیری. *روانشناسی سلامت و اختلالات*

رفتاری، ۱(۲)، ۳۹-۳۳.

Exploring Experiential Components of Motivation for Addiction Cessation in Former Substance Users: An Interpretive Thematic Analysis

Submit Date: 2023-04-23

Revise Date: 2023-05-24

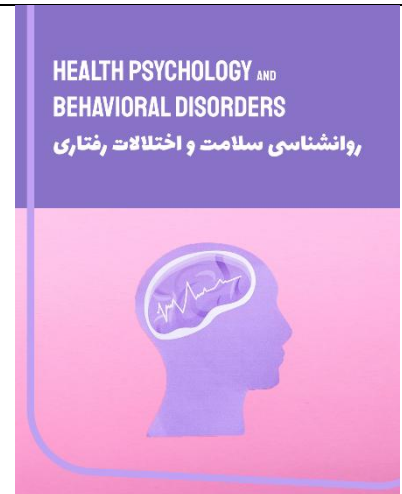
Accept Date: 2023-06-03

Publish Date: 2023-06-20

Abstract

This study aimed to identify and analyze the experiential components of motivation for addiction cessation in former substance users using an interpretive thematic analysis approach. This qualitative research employed an interpretive thematic analysis methodology. Participants included 22 former drug users residing in Tehran, selected through purposive sampling until theoretical saturation was achieved. Data were collected using semi-structured interviews focused on lived experiences of motivational processes. The data were analyzed using NVivo software, and key themes, subthemes, and open codes were extracted. The results revealed three overarching motivational domains: "existential crisis experience," "internal motivational forces," and "effective external support." Subthemes such as feelings of meaninglessness, facing death, identity reconstruction, personal willpower, family support, and the role of peer groups played central roles in participants' motivation to quit. Participants also emphasized the importance of spiritual experiences, emotional liberation, and social reintegration in maintaining long-term motivation. Motivation for addiction recovery is a multidimensional and dynamic process shaped by psychological, spiritual, and social factors. Addressing these experiential components can enhance the effectiveness of therapeutic and rehabilitation interventions for addiction treatment.

Keywords: *Motivation to quit, lived experience, former addicts, interpretive thematic analysis, addiction recovery*

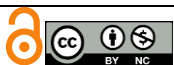
Nima Karimi¹, Seyedeh Zahra Moradi^{2*}

1. Department of Counseling, University of Social Sciences and Humanities, Tehran, Iran

2. Department of Psychology, University of Social Sciences and Humanities, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: seyedeh.z.moradi94@gmail.com

How to cite: Karimi, N. & Moradi, S. Z. (2023). Exploring Experiential Components of Motivation for Addiction Cessation in Former Substance Users: An Interpretive Thematic Analysis. *Health Psychology and Behavioral Disorders*, 1(2), 33-39.



© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

اعتیاد به مواد مخدر یکی از چالش‌های مهم بهداشت روان در سراسر جهان است که آثار گسترده‌ای بر سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی و اقتصادی فرد و جامعه دارد. بر اساس گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC)، بیش از ۲۹۶ میلیون نفر در سراسر جهان در سال ۲۰۲۱ مواد مخدر مصرف کرده‌اند که این رقم نسبت به دهه‌های گذشته افزایش قابل توجهی را نشان می‌دهد (UNODC, 2022). در ایران نیز، اعتیاد یکی از مسائل بحرانی حوزه سلامت عمومی تلقی می‌شود که همواره با پیامدهای خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی همراه بوده است. در این میان، ترک اعتیاد و بازگشت به زندگی عادی نیازمند درک عمیق از فرآیندهای انگیزشی، روان‌شناختی و اجتماعی است که افراد را به سوی تصمیم‌گیری برای قطع وابستگی سوق می‌دهد.

انگیزش برای ترک اعتیاد یک پدیده پیچیده و چندعاملی است که نمی‌توان آن را صرفاً با متغیرهای بیرونی مانند فشار خانواده یا اجبار قانونی تبیین کرد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که انگیزش در فرآیند ترک به‌عنوان یک عامل کلیدی در موفقیت درمانی، بازگشت بهبود و کاهش احتمال عود محسوب می‌شود (Ryan, Plant, & O'Malley, 1995). به همین دلیل، شناخت مؤلفه‌های تجربی انگیزش، به‌ویژه از دیدگاه افراد بهبودیافته، می‌تواند به طراحی مداخلات مؤثرتر کمک کند. یکی از چارچوب‌های نظری شناخته‌شده در این حوزه، نظریه خودتعیین‌گری (Self-Determination Theory) است که بر تمایز میان انگیزش درونی و بیرونی و نقش آن‌ها در فرآیند رفتارهای سلامت‌محور تأکید دارد (Deci & Ryan, 2000). مطابق با این نظریه، زمانی که فرد بر اساس ارزش‌ها و نیازهای درونی خود برای تغییر تصمیم می‌گیرد، احتمال پایداری رفتار سالم بیشتر خواهد بود.

با وجود تلاش‌های فراوان برای شناخت عوامل مؤثر بر ترک اعتیاد، هنوز هم بخش زیادی از پژوهش‌ها به روش‌های کمی محدود شده‌اند که نمی‌توانند به‌طور عمیق به ابعاد پنهان، تجربیات زیسته و فرآیندهای روانی درونی افراد بپردازند. در این میان، رویکردهای کیفی و پدیدارشناختی یا تحلیلی می‌توانند با کاوش در عمق تجربه‌های افراد، زوایای ناشناخته انگیزش برای ترک را آشکار سازند. مطالعات کیفی پیشین نشان داده‌اند که مؤلفه‌هایی همچون بحران معنایی، احساس گناه، فقدان روابط انسانی، تجربه مرگ نزدیکان یا احساس انزوا می‌توانند به‌عنوان نقاط چرخشی در تصمیم‌گیری برای ترک نقش داشته باشند (Neale, Tompkins, & Sheard, 2008). به‌عنوان مثال، مطالعه‌ای توسط Kaskutas و همکاران (۲۰۰۵) نشان داد که بسیاری از افراد پس از تجربه یک رویداد بحرانی مانند آوردن مرگ دوستان مصرف‌کننده یا طرد خانوادگی، به‌سمت بازنگری در سبک زندگی و انتخاب ترک سوق داده می‌شوند.

از سوی دیگر، عوامل انگیزشی درونی مانند نیاز به بازتعریف هویت، تقویت عزت‌نفس، ادراک اراده شخصی و دستیابی به معنای جدید در زندگی، در فرآیند بهبود نقش مهمی ایفا می‌کنند. یافته‌های پژوهش Longshore و Teruya (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که تجربه احساس قدرت بر سرنوشت، هدفمندی مجدد و رشد شخصی پس از ترک از مؤلفه‌های مهم انگیزشی محسوب می‌شوند. این عوامل در تعامل با حمایت‌های بیرونی نظیر حمایت خانواده، حضور در گروه‌های خودیاری و دسترسی به درمان مناسب، می‌توانند فرآیند ترک را پایدارتر و اثربخش‌تر کنند (Laudet & White, 2010).

گروه‌های حمایتی مانند Narcotics Anonymous (NA) نیز به‌عنوان منابعی برای بازسازی انگیزش و ایجاد حس تعلق شناخته شده‌اند. اعضای این گروه‌ها در فضای امن و بدون قضاوت، امکان بازگویی تجربه‌های خود، دریافت بازخورد و الهام‌گیری از دیگران را دارند. مطالعه‌ای توسط Zemore و همکاران (۲۰۱۳) نشان داد که مشارکت در گروه‌های حمایتی، نه تنها موجب کاهش احتمال عود می‌شود، بلکه انسجام اجتماعی، عزت‌نفس و انگیزش درونی برای تداوم پاک‌ی را نیز افزایش می‌دهد. این در حالی است که طرد اجتماعی، برچسب‌زنی، و فقدان فرصت‌های شغلی می‌توانند انگیزش بهبود را تضعیف کرده و فرآیند بازگشت به جامعه را با چالش مواجه سازند (White & Cloud, 2008). نکته مهمی که نباید از آن غافل شد، نقش تجربه زیسته و تفسیر فردی از بحران‌ها و تغییرات روانی است. فرد ممکن است یک تجربه مشابه (مثلاً طرد از خانواده) را یا به‌عنوان عاملی برای فروپاشی روانی یا به‌عنوان انگیزه‌ای برای رهایی درک کند. از این رو، تحلیل مضمون تفسیری

به‌عنوان روشی کیفی، می‌تواند برای درک این تفاوت‌های معنایی و کشف لایه‌های عمیق‌تر انگیزش، ابزار مؤثری باشد (Smith, Flowers, & Larkin, 2009). هدف این روش، تمرکز بر معنای شخصی تجربه‌ها، بافت اجتماعی و ادراک ذهنی افراد است که از طریق مصاحبه‌های عمیق و تحلیل نظام‌مند داده‌ها حاصل می‌شود.

در این زمینه، پژوهش حاضر بر آن است تا با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون تفسیری، مؤلفه‌های تجربی انگیزش برای ترک وابستگی در معتادان سابق را شناسایی و تبیین کند. این پژوهش با تمرکز بر تجربه زیسته افرادی انجام شده است که فرایند ترک را پشت سر گذاشته و در دوره بهبودی قرار دارند. توجه به صدای افراد بهبودیافته نه تنها شناخت علمی دقیق‌تری از فرایند ترک ارائه می‌دهد، بلکه می‌تواند پایه‌گذار طراحی مداخلاتی باشد که با زمینه‌های فرهنگی، روان‌شناختی و اجتماعی مخاطبان ایرانی هماهنگ‌تر است. یافته‌های این مطالعه می‌توانند در ارتقاء کیفیت خدمات درمانی، طراحی برنامه‌های حمایتی و کاهش نرخ بازگشت نقش مؤثری ایفا کنند.

روش‌شناسی

این پژوهش به شیوه کیفی و با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل مضمون تفسیری (Interpretive Thematic Analysis) انجام شده است. هدف این مطالعه، شناسایی مؤلفه‌های تجربی انگیزش برای ترک وابستگی در افراد با سابقه اعتیاد است. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه شامل ۲۲ نفر از معتادان سابق بودند که پس از ترک مصرف مواد، در دوره‌های بازپروری و خودیاری در مراکز درمانی شهر تهران حضور داشتند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و مبتنی بر معیارهای ورود بود و گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت.

برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. سؤالات مصاحبه با تمرکز بر تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان از انگیزش، عوامل درونی و بیرونی تقویت‌کننده تصمیم به ترک، و تغییرات روانی و معنوی پس از ترک طراحی شده بود. هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید و با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌طور کامل پیاده‌سازی شد.

فرآیند تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Nvivo انجام شد. پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها، مراحل کدگذاری اولیه، شناسایی مضامین پایه، تحلیل مضامین محوری و در نهایت استخراج مضامین تفسیری انجام شد. تحلیل داده‌ها به صورت هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفت تا امکان بازنگری و تعمیق در فرآیند مصاحبه‌ها فراهم شود. رعایت اصول اخلاق پژوهش از جمله رضایت آگاهانه، حفظ محرمانگی اطلاعات، و امکان انصراف مشارکت‌کنندگان در هر مرحله از مطالعه مدنظر قرار گرفت.

یافته‌ها

محور اصلی اول: تجربه بحران وجودی

در زیرمقوله احساس بی‌معنایی زندگی، مشارکت‌کنندگان بارها به تجربه‌ای از پوچی، بی‌هدفی و بی‌ارزشی اشاره کردند که پیش از ترک بر زندگی آنان حاکم بوده است. مفاهیمی چون "احساس پوچی"، "بی‌هدفی"، "تجربه بی‌انگیزگی"، "بی‌ارزشی خود" و "سردرگمی درباره آینده" در بیانات آن‌ها مشهود بود. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «انگار هیچ دلیلی برای بیدار شدن صبح نداشتم... فقط مصرف می‌کردم که بگذره». در زیرمقوله رویارویی با مرگ یا تهدید جدی، برخی از مشارکت‌کنندگان از تجربیاتی مانند آوردوز، تصادف در حالت مصرف یا مشاهده مرگ دوستان مصرف‌کننده سخن گفتند که به‌عنوان نقطه عطفی برای تصمیم به ترک نقش ایفا کرده است. مفاهیمی همچون "آوردوز شدید"، "ایست قلبی"، "ترس از مردن"، و "دیدن مرگ دوستان" بارها مطرح شد. یکی از افراد بیان داشت: «وقتی دیدم رفیقم جلوی چشمم مُرد، فهمیدم نوبت منم نزدیکه».

زیرمقوله فقدان ارتباط انسانی معنادار نیز به تجربه طرد، تنهایی و از دست دادن روابط نزدیک، به ویژه روابط خانوادگی و عاطفی اشاره دارد. کدهایی نظیر "طرد شدن از خانواده"، "قطع ارتباط با فرزندان"، و "از دست دادن رابطه عاطفی" در این زمینه بارز بودند. یکی از مشارکت کنندگان توضیح داد: «سال‌ها دخترمو ندیدم... نمی‌دونستم صدامو یادشه یا نه.»

محور اصلی دوم: نیروهای انگیزشی درونی

در زیرمقوله دستاوردهای معنوی پس از ترک، بسیاری از مشارکت کنندگان به احساسات مثبتی اشاره کردند که پس از پاکی تجربه کرده‌اند. مفاهیمی مانند "آرامش ذهنی"، "بازگشت به ایمان"، و "احساس دوباره زنده بودن" منعکس کننده تغییرات درونی بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت: «بعد از ترک، یه جور آرامش پیدا کردم که هیچ‌وقت با مواد حس نکرده بودم.»

زیرمقوله نیاز به بازتعریف هویت نیز در اظهارات مشارکت کنندگان پررنگ بود. آنان از نیاز به ساختن تصویری جدید از خود، جبران گذشته، و رهایی از شرم صحبت کردند. مفاهیمی چون "احساس شرم از گذشته"، "تمایل به جبران"، و "تلاش برای رشد فردی" بیانگر این تمایلات بود. یکی از افراد گفت: «نمی‌خوام دیگه به چشم یه معتاد نگام کنن... من عوض شدم.»

در زیرمقوله ادراک قدرت اراده، مشارکت کنندگان به نقش اراده و خودکنترلی در فرآیند ترک اشاره داشتند. احساس کنترل بر زندگی، موفقیت‌های کوچک روزانه، و تقویت اعتمادبه‌نفس از جمله مفاهیم کلیدی بودند. یکی از آن‌ها بیان کرد: «وقتی تونستم یه هفته مصرف نکنم، باورم شد که می‌تونم بیشترم ادامه بدم.»

محور اصلی سوم: پشتیبانی‌های بیرونی مؤثر

زیرمقوله حمایت خانواده و نزدیکان نقشی حیاتی در انگیزش برای ترک ایفا کرده است. مشارکت کنندگان به تجارب مثبتی چون بازگشت حمایت خانواده، دریافت محبت، و اعتماد مجدد اشاره داشتند. کدهایی مانند "دلگرمی عاطفی"، "حمایت مالی"، و "بازسازی رابطه با والدین" مشاهده شد. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «وقتی دیدم مادرم دوباره بغلم کرد، فهمیدم هنوز امید هست.»

در زیرمقوله نقش گروه‌های حمایتی، شرکت در جلسات گروهی مانند NA، ارتباط با دیگر بهبودیافتگان، و احساس همدلی از سوی آن‌ها از جمله عوامل انگیزشی مهم بودند. مفاهیمی همچون "تشویق در گروه"، "الهام‌گیری از دیگران"، و "حس تعلق" در این زمینه نمایان شد. به گفته یکی از مشارکت کنندگان: «وقتی قصه یه نفر شبیه منو شنیدم، فهمیدم تنها نیستم.»

زیرمقوله دسترسی به خدمات درمانی مؤثر نیز از سوی شرکت کنندگان مهم ارزیابی شد. درمان‌های روان‌شناختی، دارودرمانی و اقامت در مراکز تخصصی ترک از جمله مفاهیم کلیدی بودند. یکی از آن‌ها گفت: «تو کمپ با روان‌شناس حرف زدم، اولین بار بود یکی حرفامو گوش می‌داد.» در نهایت، در زیرمقوله پذیرش اجتماعی پس از ترک، مشارکت کنندگان به تجربه ورود مجدد به جامعه بدون برچسب‌زنی اشاره کردند. مفاهیمی چون "فرصت اشتغال"، "اعتماد اجتماعی"، و "بازسازی جایگاه فردی" بارها تکرار شد. یکی از افراد توضیح داد: «وقتی دوباره کار گرفتم و کسی نگفت معتادی، حس کردم برگشتم به زندگی.»

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که فرآیند ترک وابستگی به مواد مخدر در افراد بهبودیافته، تحت تأثیر مؤلفه‌های متنوعی قرار دارد که در سه محور اصلی «تجربه بحران وجودی»، «نیروهای انگیزشی درونی» و «پشتیبانی‌های بیرونی مؤثر» طبقه‌بندی شدند. این یافته‌ها تأکیدی بر چندبعدی بودن فرآیند ترک دارند و بر اهمیت تلاقی عوامل درونی، بیرونی و معنایی در تصمیم‌گیری برای قطع مصرف مواد اشاره دارند. در محور نخست یعنی تجربه بحران وجودی، مشارکت کنندگان تجربه‌هایی چون احساس بی‌معنایی زندگی، مواجهه با مرگ، و فقدان روابط انسانی معنادار را به‌عنوان نقاط عطفی در فرآیند انگیزش برای ترک توصیف کردند. این یافته با نتایج مطالعه Neale و همکاران (۲۰۰۸) همسو است که دریافتند تجربه انزوای اجتماعی و پوچی می‌تواند زمینه‌ساز جستجوی معنا و تغییر سبک زندگی در مصرف‌کنندگان مواد باشد.

همچنین، وقوع یک بحران وجودی نظیر اوردوز یا مرگ یکی از نزدیکان، به عنوان یک «هشدار حیاتی» عمل کرده و فرد را به بازنگری در وضعیت فعلی سوق می‌دهد؛ مشابه آنچه Kaskutas و همکاران (۲۰۰۵) در زمینه نقش رویدادهای بحرانی در ترک خودخواسته گزارش کرده‌اند.

در محور دوم یعنی نیروهای انگیزشی درونی، بسیاری از مشارکت‌کنندگان بر نیاز به بازتعریف هویت، تجربه دستاوردهای معنوی، و تقویت اراده برای تغییر تأکید داشتند. این نتایج با مبانی نظری نظریه خودتعیین‌گری (Self-Determination Theory) همخوانی دارد که تأکید می‌کند انگیزش درونی، هنگامی که فرد بر اساس ارزش‌ها و انتخاب شخصی برای تغییر اقدام می‌کند، نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به فشارهای بیرونی دارد (Deci & Ryan, 2000). در همین راستا، Longshore و Teruya (۲۰۰۶) نیز نشان داده‌اند که ادراک از کنترل درونی و هدفمندی مجدد، از محرک‌های کلیدی برای پایبندی به برنامه‌های ترک و پرهیز از عود محسوب می‌شوند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر نیز با اشاره به احساس توانمندی، رشد شخصی و معنویت، اهمیت نقش عوامل روان‌شناختی درونی را در تقویت انگیزش بهبود برجسته ساختند. در محور سوم یعنی پشتیبانی‌های بیرونی مؤثر، نقش خانواده، گروه‌های حمایتی و نظام درمانی در ایجاد بستر لازم برای پایداری انگیزش برجسته شد. مشارکت‌کنندگان از حمایت عاطفی خانواده، حضور در جلسات گروه‌های دوازده قدمی مانند NA، و دریافت درمان تخصصی به عنوان عوامل تسهیل‌گر ترک یاد کردند. این یافته‌ها با پژوهش Laudet و White (۲۰۱۰) هماهنگ است که تأکید کرده‌اند دسترسی به منابع حمایتی و پیوندهای اجتماعی سالم، نقش حیاتی در تثبیت تصمیم به ترک دارند. همچنین Zemore و همکاران (۲۰۱۳) نشان داده‌اند که گروه‌های خودیاری، با فراهم ساختن فضاهای غیرقضاوت‌گر و اشتراک تجربه‌های مشترک، به شکل‌گیری حس تعلق، امید و اعتمادبه‌نفس کمک می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز مشارکت‌کنندگان بارها از تأثیر حضور در چنین گروه‌هایی سخن گفتند و آن را عامل مهمی در جلوگیری از عود معرفی کردند.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که بازسازی جایگاه اجتماعی پس از ترک و کاهش برجسب‌زنی اجتماعی از سوی جامعه، نقشی اساسی در تداوم انگیزش دارند. مشارکت‌کنندگانی که پس از ترک موفق به بازگشت به کار، پذیرش خانواده یا بهبود روابط اجتماعی شده بودند، انگیزه بیشتری برای حفظ پاکی داشتند. این نتیجه با نتایج مطالعه White و Cloud (۲۰۰۸) مطابقت دارد که در آن مفهوم «سرمایه بهبودی» شامل حمایت‌های خانوادگی، شغلی و اجتماعی به عنوان عوامل کلیدی در پایداری پاکی معرفی شده است.

در مجموع، نتایج این پژوهش بر چندبعدی بودن فرآیند ترک اعتیاد تأکید دارد و نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل درونی (مانند معنویت، اراده و بازتعریف هویت)، بیرونی (حمایت اجتماعی، درمان مناسب) و وجودی (تجربه بحران یا تهدید مرگ) به صورت تعاملی بر تصمیم‌گیری برای ترک تأثیرگذارند. همچنین مشخص شد که معنا دادن به تجربه مصرف و درک مجدد از زندگی، نقشی کلیدی در شکل‌گیری انگیزش پایدار دارد؛ موضوعی که در تحلیل مضمون تفسیری از طریق تمرکز بر تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان به خوبی نمایان گردید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازين اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازين و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

فهرست منابع

References

- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227–268.
- Kaskutas, L. A., Bond, J., & Humphreys, K. (2005). Social networks as mediators of the effect of Alcoholics Anonymous. *Addiction*, 100(7), 891–900.
- Laudet, A. B., & White, W. L. (2010). What are your priorities right now? Identifying service needs across recovery stages to inform service development. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 38(1), 51–59.
- Longshore, D., & Teruya, C. (2006). Self-assessment of motivation for drug treatment: Predictive validity and gender differences. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 30(2), 113–120.
- Neale, J., Tompkins, C. N., & Sheard, L. (2008). Barriers to accessing generic health and social care services: A qualitative study of injecting drug users. *Health & Social Care in the Community*, 16(2), 147–154.
- Ryan, R. M., Plant, R. W., & O'Malley, S. (1995). Initial motivations for alcohol treatment: Relations with patient characteristics, treatment involvement, and dropout. *Addictive Behaviors*, 20(3), 279–297.
- Smith, J. A., Flowers, P., & Larkin, M. (2009). *Interpretative phenomenological analysis: Theory, method and research*. Sage.
- UNODC. (2022). *World Drug Report 2022*. United Nations Office on Drugs and Crime. Retrieved from <https://www.unodc.org/unodc/en/data-and-analysis/world-drug-report-2022.html>
- White, W. L., & Cloud, W. (2008). Recovery capital: A primer for addictions professionals. *Counselor*, 9(5), 22–27.
- Zemore, S. E., Lui, C., Mericle, A., Hemberg, J., & Kaskutas, L. (2013). A longitudinal study of the comparative efficacy of women for sobriety versus Alcoholics Anonymous. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 36(3), 294–305.